

نقل است "شاه عباس صفوی" رجال کشور را به ضیافت شاهانه میهمان کرد. دستور داد تا درسرقلیان ها بجای تنباکو، از سرگین اسب استفاده نمایند. میهمان ها مشغول کشیدن قلیان شدند! و دود و بوی پهن اسب فضا را پر کرد، اما رجال، از بیم ناراحتی شاه، پشت سر هم بر نی قلیان پُک عمیق زده و با احساس رضایت دودش را هوا می دادند! گویی در عمرشان، تنباکویی به آن خوبی نکشیده اند!

شاه رو به آنها کرده و گفت: "سرقلیان ها با بهترین تنباکو پر شده اند، آن را حاکم همدان برایمان فرستاده است". همه از تنباکو و عطر آن تعریف کرده و گفتند: "براستی تنباکویی بهتر از این نمی توان یافت".

شاه به رییس نگهبانان دربار که پک های بسیار عمیقی به قلیان می زد گفت: "تنباکویش چطور است؟" رییس نگهبانان گفت:

"به سر اعلیحضرت قسم، پنجاه سال است که قلیان می کشم، اما تنباکویی به این عطر و مزه ندیده ام!".

شاه با تحقیر به آنها نگاهی کرد و گفت: "مرده شوی تان ببرد که بخاطر حفظ پست و مقام، حاضرید بجای تنباکو، پهن اسب بکشید و به به و چه چه کنید!"